



نگارنده چند ایراد بر این روش وارد است.

۱. رسم الخط برخی از لغات در نسخ قدیمی به صورتی است که عرضه دقیق آن با امکانات چاپی فعلی، یا دشوار است و یا ساختن فونت‌های مخصوصی را می‌طلبد. مثلاً در برخی از نسخ قدیمی فارسی، گه‌گاه حرف ماقبل کاف به سرکش کاف چسبانده می‌شود، چنانکه در کلمه «اسکندر» به جای این که حرف سین را بعد از الف قرار دهند، آن را بالا برده و به سرکش کاف متصل می‌کنند. طبعاً چنین رسم الخطی با نرم‌افزارهای معمولی قابل انتقال نیست.

۲. با پیشرفت‌هایی که در فن چاپ پدید آمده، اگر کسی بخواهد نسخه واحد را بعینها به خواننده عرضه کند، بهتر این است که آن نسخه را به صورت عکسی یا در آخر کتاب و یا قبل از متن حروفچینی شده بیاورد (چنانکه در کتاب ترجمان البلاغه رادویانی، فاضل ترک، مرحوم احمد آتش کرده است).

۳. وظیفه مصحح این نیست که یک متن مغلوپ را پیش روی خواننده قرار دهد، بلکه مصحح باید تعبیر خودش را از آنچه که به قرائن و دلایلی صورت اصلی متن می‌داند به خواننده عرضه کند، نه این که خودش را گرفتار احتیاطات «وسواس گونه» بکند.

احتیاط، مثل هر کار دیگری، وقتی به افراط کشید به بیماری «وسواس» منجر می‌شود. مثلاً گاهی خواننده ایم که فلان مصحح ادعا کرده است که شبانروز «دست و دلش می‌لرزد» که هنگام تصحیح متن، مبدا یک حرف از آنچه مؤلف گفته بوده، کم کند یا بدان بیفزاید. به نظر فقیر این قبیل مطالب در کنه خودش ربطی به احتیاط علمی و معقول ندارد. در جهانی

گرشاسپ‌نامه و قاعده حذف نسخه رونویسی شده*

محمود امیدسالار

کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا
momidsa@exchange.calstatela.edu

متون قدیمی یا در یک دستنویس یگانه باقی مانده‌اند (مانند دستنویس کوشنامه کتابخانه بریتانیا به شماره Or 2780 که متن کوشنامه در آن در اوراق ۱۸۸ پ تا ۲۴۳ پ کتابت شده است) و یا در بیش از یک دستنویس. هرگاه متنی دستنویس واحد داشته باشد، مصحح باید آن دستنویس را مفصلاً توصیف کند و در تصحیح مراقب باشد که بدون شواهدی از درون متن یا از منابع معتبر جنبی، خیلی آزادانه در متن تصرف نکند و اگر خود را ملزم به تصرف دید، حتماً صورت اصلی را با ذکر خصوصیات رسم الخطی (مثلاً کم‌نقطگی یا بی‌نقطگی) در حاشیه متذکر شود. البته برخی از مصححین ترجیح می‌دهند که نسخه واحد را بعینها چاپ کنند و تصحیحات خودشان را در حاشیه قرار دهند؛ اما به نظر

* eliminatio codicum descriptorum.

حتی المقدور رابطه میان دستنویس‌ها، که در زبان انگلیسی «شاهدان» (witnesses) متن نامیده می‌شوند، مشخص شود (Bieler, 1960: 6-7; West, 1973: 29-31; Reynolds, 1991: 143). منظور از تعیین رابطه میان دستنویس‌ها، این است که معلوم شود کدام یک از اینها با هم خویشاوندند، و مخصوصاً تعیین آنهایی که از مادر نسخه واحدی مشتق شده‌اند. روش معمول برای رسیدن به این منظور این است که دستنویس‌ها از نظر افتادگی و افزودگی، و از جنبه اغلاط و ضبط‌های مشترک بررسی می‌شوند و آن نسخه‌هایی که در این نوع خصوصیات و در اغلاط قابل توجه مشترکند، لابد در اصل خودشان از دستنویسی منشعب شده‌اند که دارای همان خصوصیات و اغلاط بوده است. این نسخه‌ها را می‌توان در یک دسته قرار داد. دسته‌بندی نسخ بدین نحو، بعداً هنگام تصحیح، به مصحح در انتخاب ضبط‌های ارجح کمک خواهد کرد.

در مورد متونی که نسخه‌های بسیار متعدد دارند، یکی از فواید دسته‌بندی دستنویس‌ها در شجره‌نسب‌های گوناگون، این است که مصحح را در باب حذف دستنویس‌های بی‌فایده و احتراز از اتلاف وقت در مقابله آنها یاری می‌کند. به عبارت دیگر، اگر هنگام بررسی دستنویس‌ها مصحح بفهمد که یکی از نسخه‌های مورد استفاده‌اش از روی یکی دیگر از نسخی که در اختیار دارد استنساخ شده، می‌تواند آن نسخه را کنار بگذارد؛ زیرا به علت این که به اصل آن نسخه دسترسی دارد، از مقابله آن نسخه با دستنویس‌های دیگر چیزی عاید نمی‌شود. (Kleinhenz, 1976: 23, 286; Bieler, 1960: 24; Fellows, 1998: 27-28; Edwards, 1998: 161). پس حذف نسخی که از روی یکی از دستنویس‌های موجود متن مورد تصحیح کپی شده‌اند، بدون این که از دقت تصحیح بکاهد، در تسریع کار مصحح بسیار مؤثر خواهد بود. این قاعده نه فقط در تصحیح متون قدیم، بلکه در تصحیح آثار معاصرین نیز مفید است (Thorpe, 1972: 111, 123).

فرایند حذف اینگونه دستنویس‌ها را در فن تصحیح متن اروپائی با دو اصطلاح «حذف دستنویس استنساخ‌شده» (eliminatio codicum descriptorum) و یا «حذف نسخه بی‌فایده» (eliminatio codicum inutilium) بیان می‌کنند (Reeve, 1989: 5). البته باید توجه داشت که علی‌رغم لاتینی بودن عنوانی که به این

که روزانه هزاران زن و مرد و پیر و جوان از جنگ و فقر و بیماری‌های قابل معالجه می‌میرند، یک حرف کم و زیاد شدن از فلان متن ادبی زمین را به آسمان نمی‌برد و نباید موجب لرزیدن دست و دل کسی بشود. این حرف‌ها بیشتر معلول حب نفس و تفرعن است نه احتیاط علمی، زیرا حتی اگر مصححی متنی را به غلط تصحیح کند، دیر یا زود یک بنده خدای دیگری اشتباهات او را تصحیح خواهد کرد و متن را به صورتی که باید باشد در خواهد آورد. متون زیادی که از آنها تصحیحات متعددی، که هر کدام از برخی جهات بر دیگری برتری دارد، در دست است. بنابراین، با این که اعمال دقت و احتیاط علمی در تحقیق بسیار خوب است، اما در باب اهمیت احتیاط در تصحیح متن، توصل به اغراقاتی که هیچ شیرپاک خورده‌ای نمی‌تواند آنها را قبول کند، پسندیده نیست. مصححین قدیم، حتی در اروپا که به زعم برخی از محققین ایرانی همه چیزش معیار روشمندی و صحت محسوب می‌شود، از دوران باستان تا حدود قرن هفدهم میلادی معمولاً یکی دو نسخه‌ای را که از متنی در دسترس بود، با اجتهاد خودشان تصحیح می‌کردند (Bieler, 1960: 6). البته بعد از انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۹) و مخصوصاً فتوحات ناپلئون، به علت این که بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی و اشرافی از دست صاحبانشان خارج شد و نسخ آنها در مجموعه‌های دولتی در دسترس اهل فن قرار گرفت، فن تصحیح اروپائی به پیشرفت‌های جهشی نائل آمد. تا قبل از آن دوران، به جز در مواردی که مصحح از سوی یک نهاد مقتدر حمایت می‌شد، دسترسی به نسخه‌های خطی دشوار بود و مطالعه و بررسی آنها منحصر به یک اقلیت کوچک. در نتیجه علم تصحیح هم در مغرب‌زمین نه تنها از نظر تکنیک بر تصحیحات مسلمین برتری نداشت، بلکه به نظر نگارنده از بسیاری جهات از تصحیحات سنتی خودمان فروتر بود. اما برای این که از مطلب خودمان دور نشویم، درینجا وارد آن موضوع نمی‌شویم.

شیوه معمول تصحیح علمی این است که مصحح ابتدا کلیه نسخ قابل دسترسی از متن مورد نظر را بررسی کند، و آنها را از نظر استقلال یا خویشاوندی، دسته‌بندی نماید (خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۶۶). درین مرحله از بررسی دستنویس‌ها، باید

فرایند داده‌اند، این اصطلاح جدیدالتأسیس است و در متون باستانی لاتینی مشابهی ندارد (Kenney, 1974: 61). بنابراین امیدوارم که علاقه‌مندان به «شیوه غربی تصحیح» خدای ناکرده سردرگم نشوند و تصور نکنند که به صرف لاتینی بودن این اصطلاح، فرایند حذف نسخ رونویسی شده از کشفیات قدیم اروپائی است. اینطور نیست. این یک قاعده جدید است که صورت روشمندان را ابتدا پاول ماس (Paul Maas, 1880-1964)، از پایه‌گذاران فن تصحیح مدرن اروپائی، در سال ۱۹۲۷ بدین نحو فرموله کرد:

هرگاه نسخه J تمام اغلاط نسخه موجود F را داشته باشد و حداقل یک غلط اضافی منحصر به خودش را نیز دارا باشد، نسخه J باید از نسخه F مشتق شده باشد.

(Maas, 1958: 4; cf. Greethan, 1994: 309; Edwards, 1998: 161)

محقق ایتالیائی، سباستیانو تیمپانارو (Sebastiano Timpanaro)، انتقاداتی برین قاعده وارد کرد. از جمله این که برخی از مصححین به منظور صرفه‌جویی در وقت، ازین قاعده سوء استفاده می‌کنند (Timpanaro, 2005: 47). تیمپانارو متذکر شد که حتی پدر فن تصحیح مدرن، یعنی کارل لاکمان (Karl Lachmann 1793-1851)، دستنویس‌ها را بر حسب درجه اعتبارشان مورد قبول یا رد می‌دانست و کاری به این نداشت که آیا این نسخ از روی یکی از دستنویس‌های موجود استنساخ شده‌اند یا نه (Ibid, 78). اما مایکل ریو (Michael D. Reeve) که از مصححین به نام متون لاتینی در دانشگاه کمبریج است، اعتراضات تیمپانارو را برین قاعده وارد نمی‌داند و در رد آنها مقاله مفصلی دارد (Reeve, 1989). پس از مباحثاتی که له و علیه این قاعده در میان محققین درگرفت، حتی تیمپانارو هم قانون «حذف دستنویس استنساخ‌شده» را با برخی تغییرات جزئی قبول کرد (Ibid, 154-156).

به نظر نگارنده، از منظر تصحیح متون ادبی فارسی، قاعده «حذف نسخ بی‌فایده»، به شرطی که با احتیاط و دقت به کار گرفته شود، در فرایند تصحیح بسیار مؤثر است. اما در تشخیص این که دستنویسی از روی یک دستنویس موجود دیگر استنساخ شده، باید مواظب بود که اشتباهی رخ ندهد و دستنویسی که بر اساس قاعده حذف کنار گذاشته می‌شود، فی‌الواقع رونویس یکی از دستنویس‌های موجود و مورد

استفاده مصحح باشد و از خودش استقلال نداشته باشد و مطلقاً نتواند در تصحیح یا بازسازی صورت اصلی متن به مصحح کمک کند. ازین گذشته، نگارنده معتقد است که در مورد دستنویس‌هایی که استنساخی از یکی از نسخه‌های موجود هستند، اما در عین حال، دانشمندان صاحب رای در حواشی آنها یادداشت‌ها یا توضیحاتی نوشته‌اند، باید استثناء قائل شد و این دستنویس‌ها را هنگام تصحیح حداقل جزو نسخ فرعی منظور داشت، تا بتوان از یادداشت‌های حواشی آنها بهره‌مند شد.

برای این که مطالبی که عرضه شد از حالت انتزاعی به در آید و با مثالی قابل فهم‌تر شود، قاعده «حذف دستنویس استنساخ‌شده» را بر گروهی از دستنویس‌های گرشاسپ‌نامه که نگارنده به آنها دسترسی دارد منطبق می‌سازیم. اما پیش از ورود در اصل مطلب، لازم است که نام و نشان نسخی که درین مختصر مورد استفاده ما بوده است را با علائم اختصاری آنها (sigla) به خلاصه بیان داریم.



از گرشاسپ‌نامه ۳۹ نسخه کامل و ناقص در فهرست استوری ذکر شده که از اینها تعدادی بسیار ناقص، و برخی مشکوک‌الهیوه هستند (De Blois, 1992: vol.5, pt. 1, pp.86-87) و قس درایتی، ۱۳۸۹: ۸/۸۰ (۹۱-۹۱۱). هفت عدد ازین ۳۹ نسخه روایات کوتاه و بلندی از گرشاسپ‌نامه است که در نسخ گوناگون شاهنامه ادغام شده‌اند. سه نسخه از دستنویس‌هایی است که هنگام تصحیح کتاب به دست مرحوم استاد یغمائی در تملک اشخاص بوده است و نگارنده نمی‌داند که امروز کجا هستند. شش نسخه دیگر یا به شدت صدمه دیده‌اند و یا فقط منتخباتی از متن کتاب را دارند. با این حساب شانزده نسخه از نسخی که فقیر از وجودشان آگاه است کمابیش یا غیرقابل استفاده‌اند و یا از دسترس او خارج می‌ماند ۲۳ نسخه که از اینها ۲ نسخه متعلق به کتابخانه بریتانیا را می‌توان به صورت آنلاین مشاهده کرد. نسخی که نگارنده به تصویر یا صورت دیجیتالی آنها دسترسی داشته و آنها را برای این مقاله بررسی کرده است، عبارتند از:

1. <http://www.bl.uk/manuscripts/BriefDisplay.aspx>.

در یکی از اوراق بدرقه آغاز کتاب چندین یادداشت هست که مسیر تملک نسخه را نشان می‌دهد. اقدم اینها یادداشتی است به نص:

دخل فی نوبتی و انا العبد الاحقر محمدجعفر. در تهران ابتیاع شد فی سنة ۱۲۶۱.

بعد از آن یادداشتی است با مهر اعتضادالسلطنه به این مضمون:

کتاب گشتاسب‌نامه [کذا] داخل کتابخانه نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده اعظم افخم اعتضادالسلطنه وزیر علوم و صنایع و معادن و تجار علیقلی میرزا دام اجلاله گردید، فی شهر جمادی‌الاولی سنة ۱۲۸۱.

در گوشه دست چپ صفحه یادداشت دیگری هست حاکی از وقف نسخه بدین نص:

هو الله تعالی. این یک مجلد کتاب گشتاسب‌نامه [کذا] در یوم جمعه پانزدهم شهر ذی‌حجه الحرام سنة ۱۲۹۷ در عداد کتب موقوفه مسجد و مدرسه ناصری... (?) و داخل کتابخانه مدرسه مزبور گردید و صیغه وقف آن مطابق شروح و شروط مندرجه در وقف‌نامه مسجد و مدرسه جاری شد. فصار وقفاً صحیحاً لازماً در سال لوی‌نیل ۱۲۹۷.

مهرهای مسجد سپهسالار و کتابخانه مدرسه ناصری زیر این عبارت زده شده‌اند.

۴. ص: نسخه ایاصوفیه به شماره ۳۲۸۷ که مانند دیگر دستنویس‌های آن کتابخانه، اکنون در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت این نسخه ۹۰۵ هـ است. این دستنویس نسخه‌ای نفیس است که اصلاً برای کتابخانه سلطان بایزید کتابت شده بوده و بعدها سلطان محمود آن را به کتابخانه ایاصوفیه وقف کرده بوده است.^۲

۵. د: نسخه دارالکتب در قاهره به شماره ۹۶ م ادب فارسی. تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۳۷ است.^۳

۲. این نسخه را نگارنده در مقاله‌ای که در شماره سوم از سال اول نشریه ایران‌شهر چاپ شده معرفی کرده است.
۳. دسترسی به فیلم این نسخه را مدیون مساعی دوست دانشمند، آقای پرفسور مهرداد شکوهی هستم که از طریق جناب دکتر نبیل الهادی در قاهره سی‌دی نسخه را برای فقیر تهیه کردند. از هردوی این بزرگواران سپاسگزارم.

۱. ت: نسخه تویقایی سرای به نشانه 674 Hazini و مورخ ۷۵۵ هـ که حسن بن الحاج رکن الدین در جم (?) آن را کتابت کرده است. این نسخه اقدم نسخ کتاب است و به غیر از مقدمه کتاب که از آن افتاده است، بقیه متن را دارد. این نسخه به قطع اصلی و به صورت رنگی توسط انتشارات سخن در «گنجینه نسخه‌برگردان متون فارسی» که نگارنده با مرحوم ایرج افشار آن را شروع کرد و اکنون به پیشنهاد دوست و همکار دانشمند، جناب مطلبی کاشانی، نام آن را به «گنجینه نسخه‌برگردان متون فارسی ایرج افشار» تغییر داده‌ام، چاپ عکسی شد (اسدی، ۱۳۹۴).

۲. ل: نسخه کتابخانه بریتانیا به شماره Or. 2780. این نسخه که با شه‌شاه‌نامه، بهمن‌نامه، و کوش‌نامه در یک مجلد قرار دارد، در مقدمه مرحوم یغمائی اشتباهاً به شماره ۲۱۸۰ ذکر شده (همو، ۱۳۵۴: شانزده، بیست). این اشتباه معلول بدخوانی رقم ۷ است که در رسم الخط اروپائی (برخلاف رسم الخط آمریکائی) بسیار شبیه به ۱ نوشته می‌شود.^۱

۳. س: نسخه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به شماره ۱۵۶۳. در ترقیمه نسخه، تاریخ کتابت آن بدین نص آمده است:

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب المعروف بكرشاسب‌نامه بتاريخ عاشر ماه محرم الحرام سنة ستين و ثمانماية الهجرية الهلالية المحمدية [= ۸ دی ماه ۸۳۴ و ۲۹ دسامبر ۱۴۵۵] علیه افضل الصلوة و اكمل التحیات والسلم.

بعد از تاریخ ختم نسخه، این چندبیت را که در آخر بسیاری از نسخ خطی دیگر هم دیده می‌شود کتابت کرده است:

بماند سال‌ها این خط و ترکیب
ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشست کز ما بازماند
که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی برحمت
کند در کار درویشان دعایی

۱. مرحوم مجتبی مینوی دو سالی پیش از به چاپ رسیدن گوشه‌سپ‌نامه یغمائی، در خردادماه ۱۳۱۵ خورشیدی در نامه‌ای که خطاب به یغمائی نوشته بوده، او را از وجود و نام و نشان تعدادی از نسخ گوشه‌سپ‌نامه که در اروپا نگهداری می‌شده مطلع کرده بوده، و در فراهم آوردن عکس دو نسخه کتابخانه بریتانیا، یعنی همین نسخه شماره 2780 or. و نسخه دیگری به شماره 11586 or. که فی الواقع چند برگ از کتاب است، یغمائی را یاری کرده بوده است (نک. مینوی، ۱۳۲۳: امیدسالار، ۱۳۸۷).

۶. ۱: نسخه کتابخانه ملی فرانسه به شماره 496 Suppl. Pers. تاریخ کتابت این نسخه در ترقیمه اش ظاهراً ربیع الثانی ۱۱۷۴ است، اما چنانکه مرحوم مینوی متذکر شده‌اند، این تاریخ، تاریخ کتابت اوراق آخر نسخه است که بر کاغذ جدید با خطی غیر از خط کاتب اصلی نوشته شده‌اند (مینوی، ۱۳۲۳: ۵۷۳). فی الواقع بیشتر متن این دستنویس تا ورق ۲۷۵ بر کاغذی که کهن تر می‌نماید، به قلمی کاملاً متفاوت از خط اوراق پایانی نوشته شده؛ گو این که گه‌گاه اوراقی به خطی دیگر و بر کاغذ نوتر در میانه این ۲۷۵ ورق دیده می‌شود. اما از ورق ۲۷۵، هم کاغذ و هم خط تغییر می‌کند، چنانکه نوتر بودن کاغذ حتی در میکروفیلم سیاه‌وسفیدی که از این نسخه در اختیار من است نیز پیداست.^۱ در هر حال، این دستنویس اصلاً جزو نسخی بوده که آنکتیل دو پرون (Anquetil-Duperron 1731-1805) از هند آورده بوده است (Huart, 1926: iv).

۸. ۳: نسخه کتابخانه ملی فرانسه به شماره 1377 Suppl. Pers. که در شعبان سال ۱۲۹۴ به قلم محمدبن... قراچه‌داغی کتابت شده است.^۳ از یادداشتی که بر یکی از اوراق بدرقه آغاز کتاب هست، چنین برمی‌آید که این نسخه در تاریخ ۱۷ فوریه سال ۱۹۰۰ م مقارن با ۱۶ شوال ۱۳۱۷ ق و ۲۸ بهمن ۱۲۷۸ ش وارد مجموعه نسخ خطی کتابخانه ملی فرانسه شده است. در پشت همین ورق، به خط شکسته خوبی که از کاتب نسخه است، نوشته شده:

مخفی نماند که این کتاب از روی یک نسخه قدیمی استکتاب شده که در او از برای با و چیم فارسی و عربی تفاوتی نگذارد. بیک نقطه نوشته هم دال و ذال و غیرها را نیز، بنده هم محض تقلید که رسم قدیم مندرس نباشد نوشته‌ام.

به نظر من آن نسخه قدیمی که کاتب پ ۳ دستنویس خودش را از روی آن استنساخ کرده، به شرحی که در این مقاله خواهد آمد، همان نسخه کتابخانه مسجد سپهسالار، یعنی نسخه س ما است.

۹. آ: نسخه آستان قدس «که با شاهنامه و چند مثنوی دیگر یکجا تجلید و صحافی شده» و مرحوم یغمائی آن را در

۷. ۲: نسخه کتابخانه ملی فرانسه به شماره 1376 Suppl. Pers. که در سال ۱۲۶۲ به قلم عبدالحمیدنامی کتابت شده است. در حاشیه صفحه آخر نسخه، یادداشتی هست به این نص: «من متملکات احمدبن مرحوم سلیمان پاشا متصرف سلیمانیه»، و مهر همین شخص در زیر این یادداشت زده شده است. این نسخه جزو دستنویس‌های ملکی شرق شناس فرانسوی، شفر (Charles Schefer 1820-1898) بوده که بعداً به کتابخانه ملی فرانسه منتقل شده است. ناگفته نماند که مرحوم مینوی در نامه‌ای که در خردادماه ۱۳۱۵ درباره نسخ گرشاسپ‌نامه به مرحوم یغمائی ارسال فرموده بوده، نوشته است که «از سه نسخه کتابخانه ملی، [هوار] فقط وصف نسخه نمره ۴۹۶ (یعنی همان که ما پ ۱ نامیده‌ایم) را در مقدمه خود داده» (مینوی، ۱۳۲۳: ۵۷۳). اما واقعیت این است که هوار بیچاره هم نسخه ۴۹۶ و هم این نسخه را در مقدمه خودش وصف کرده و حتی نسخه شماره ۱۳۷۶ را قدری چرب‌تر از نسخه ۴۹۶ توصیف کرده و آن را سومین نسخه گرشاسپ‌نامه موجود

۱. ظاهراً اوراق ۲۲۳ ب، ۲۱۸ ب، ۲۰۱ آ، ۱۹۱ ب و برخی دیگر از صفحات این دستنویس هم یا به خط کاتب دیگری است، و یا این کاتب گهگاه بر سبیل تفتن به سبک دیگری کتابت می‌کرده است.

2. ... Le troisième, le plus récemment acquis, est le n° 1376 de la collection Schefer, désigné par la lettre S. bien que la copie en soit récente, à en juger par l'encre et l'écriture, il doit avoir été copié en orient sur un ancien texte, car les leçons en sont souvent bonnes (Huart, 1926: v).

۳. هنگام خرید فیلم سیاه‌وسفید این سه نسخه از کتابخانه ملی فرانسه، سرکار خانم دکتر ناتاشا شکوهی و جناب پرفسور مهرداد شکوهی به نیابت از طرف بنده با کتابخانه ملی فرانسه بسیار نامه‌نگاری کردند. بعد از ایتباع فیلم این سه نسخه نیز سرکار خانم دکتر سیما داد که در آن هنگام در آن بلاد تشریف داشتند، در رساندن فیلم این نسخ به دست فقیر بسیار زحمت کشیدند. از هرسه این فضلا بسیار سپاسگزارم.

دست داشته (اسدی، ۱۳۵۴: ۱۸) اما در کپی دیجیتالی که از کتابخانه آستان قدس رضوی به دست بنده رسیده است، شماره نسخه ذکر نشده و من فقط به حدس می‌گویم که این دستنویسی که تصویرش در اختیار بنده است، همان است که مرحوم استاد یغمائی در دست داشته‌اند.

۱۰. مج: نسخه مجلس به شماره ۱۱۶۷ که آن را علی اکبر تفرشی در ماه صفر سال ۱۲۶۴ قمری به دستور میرزا محمد تقی سپهر (لسان‌الملک) کتابت کرده بوده. این نسخه به تصریح یادداشتی که بعد از ترقیمه آن نوشته شده، در بیست و ششم ربیع‌الثانی سنه ۱۲۹۷، هنگام تقسیم کتاب‌های لسان‌الملک، به فرزندش مرحوم عباسقلی بن لسان‌الملک رسیده بوده و به شهادت یادداشتی که آن مرحوم بر یکی از اوراق بدرقه آغاز کتاب نوشته است، در سنه ۱۳۰۳ ق‌هنوز در دست او بوده است. اهمیت این نسخه درین است که شخص یا اشخاصی آن را با چند نسخه مقابله و تحشیه کرده‌اند (من جمله نسخه مرحوم یاسمی، نسخه متعلق به کتابخانه معارف، و نسخه‌ای که شاید شاید شاید (به قید هر سه شاید) متعلق به مرحوم فروزانفر بوده است). ازین گذشته، در حواشی این نسخه یادداشت‌هایی از مرحومان دهخدا، ملک‌الشعراء بهار و شاید از مرحوم فروزانفر و یغمائی دیده می‌شود (یادداشت‌های بهار و دهخدا امضاء دارد). بنابراین با این که دستنویس مج از نظر احتواء بر آرای دانشمندان اهمیت دارد، به نظر من این نسخه هم مانند دستنویس پ ۳ روی نسخه سپهسالار کتابت شده است.

۱۱. مل: نسخه شماره ۴۸۷۵ کتابخانه ملی ملک که در غره ربیع‌الاول ۱۳۴۸ ق به خط مرحوم عبرت نائینی برای مرحوم حاج حسین آقای ملک کتابت شده و بعد از مقابله آن با نسخه سپهسالار معلوم شد که این دستنویس هم مانند پ ۳ و مج، از روی نسخه سپهسالار نوشته شده است. یادداشت جالبی از مرحوم عبرت بر یکی از اوراق بدرقه آخر کتاب هست که چون متضمن فوایدی است، نص آن را بعینه نقل می‌کنم:

تصدّق وجود مبارکت، کتاب تمام شد و تصدیق می‌کنم که [کذا] در نوشتن قصور رفت، لکن بحکم مضمی ما مضمی از

گذشته نباید سخن راند. و اما در خصوص آن دو کتاب که پس از خریدن بنده رد فرمودید البته از پولی که بقیمت آنها مرحمت داشته بودید نخست صرف نظر کرده‌انگه کتاب‌ها را رد کردید، زیرا معلوم بود که نه بنده را آن بضاعت تا وجه را رد کنم و نه حضرت عالی را آن خیال در خاطر خطور کرده و مقام حضرت عالی برتر از این است، پس بنابر این از بابت اجرت کتاب گرشاسپ‌نامه و این کتاب که هر دو سینزده [کذا] هزار بیت است، سی تومان مرحمت فرموده‌اید. اگر چیزی دیگر مرحمت می‌فرمائید صرف خاکه و زغال زمستان کرده متشکر و ممنونم، مرحمت هم نمی‌فرمائید باز هم متشکر و ممنونم.



چند برگ بسیار قدیمی دیگر نیز که پاره‌ای از متن گرشاسپ‌نامه را حاوی است موجود است. این برگ‌ها مقوا شده بوده و در ساختن جلد نسخه دیگری به کار رفته بوده‌اند. چون در آن اوقات مرحوم مینوی در لندن بوده‌اند، به خواهش دوستی از اصحاب کتابخانه این برگ‌ها را بررسی می‌کنند و تشخیص می‌دهند که بخشی از گرشاسپ‌نامه است که «شاید نزدیک به زمان مؤلف نوشته شده بوده» (مینوی، ۱۳۲۳: ۵۷۴). محتوای این اوراق مستقیماً به کار ما مربوط نمی‌شود. این اوراق به صورت عکسی و حروفی توسط میراث مکتوب در ضمیمه شماره ۷ گزارش میراث، در بهار ۱۳۹۶ منتشر شد.

گذشته از نسخی که ذکر شد، هرگاه لازم بوده است از متن چاپی گرشاسپ‌نامه مرحوم یغمائی (به نشانه چ) و نیز متنی که مستشرق فرانسوی، کلمان هوار (Clement Huart 1854-1926) تصحیح کرد (به نشانه ه) مطالبی نقل کرده‌ایم (Huart, 1926). لازم به ذکر است که هوار فقط ۲۵۴۳ بیت اول کتاب را تصحیح کرد و این کار با مرگ او ناتمام ماند.

ازین دستنویس‌های گرشاسپ‌نامه که ذکر کردیم، سه دستنویس قطعاً از روی نسخه سپهسالار کتابت شده‌اند. اینها عبارتند از نسخ مج (مجلس به شماره ۱۱۶۷)، مل (کتابخانه ملک به شماره ۴۸۷۵)، و نسخه پ ۳ (کتابخانه ملی فرانسه به شماره Suppl. Pers. 1377). چون دستنویس‌های مج و مل در ایران هستند و بررسی آنها برای فضیلاتی وطن مقدور است، این مقاله را فقط به بررسی پ ۳ و مقایسه آن با س (نسخه مدرسه سپهسالار، به شماره ۱۵۶۳) محدود می‌کنیم، زیرا مطالعه نسخه سوم پاریس برای محققین ایرانی به آسانی میسر نیست. فقط در مورد نسخه مج لازم است

تکرار کنیم که علی‌رغم این که این دستنویس از روی نسخه سپهسالار استنساخ شده، نه تنها به علت وجود حواشی مفصل فضلاً بر آن، بلکه به علت این که با چند نسخه دیگر مقابله و موارد اختلاف در حاشیه‌ها و اوراق آن ضبط شده، در هر تصحیحی که از گوشاسپ‌نامه صورت بگیرد، باید از آن استفاده کرد.

نسخه پ ۳ و قاعده حذف نسخه رونویسی شده

از علائم استنساخ نسخه پ ۳ از روی دستنویس س، یکی این است که کاتب پ ۳ در رسم الخط از شیوه کاتب س تقلید کرده و در بسیاری از مواضع هر جا که کاتب س حرفی از یک کلمه را به صورت کشیده کتابت کرده، کاتب نسخه پ ۳ هم همین کار را کرده است. این تشابه از ورق اول کتاب میان دو نسخه چشم‌گیر است (نک. تصاویر ۱ و ۲). دیگر این که کاتب پ ۳ تمام توضیحاتی را که در دستنویس س با قلم سرخ معمولاً میان سطرها نوشته شده، شماره‌گذاری کرده و در حاشیه استنساخ خودش نوشته است. بنابراین حواشی نسخه پاریس فی الواقع استنساخ مطالبی است که در نسخه سپهسالار با قلم سرخ، یا میان سطرها و یا در حواشی آن نوشته شده، با این تفاوت که در دستنویس سپهسالار این حواشی و توضیحات به خط کسی غیر از کاتب نسخه به نظر می‌رسد، در حالی که در نسخه پاریس اینها به خط کاتب پ ۳ است.

نسخه‌ای که از روی دستنویس دیگری کتابت شده باشد، معمولاً همه افتادگی‌ها و مواضع ناخوانای مادر نسخه خود را داراست، مگر در مواردی که کاتب آن نسخه یا به اجتهاد خودش، و یا از روی یک متن دیگر، آن افتادگی یا ستردگی را ترمیم کرده باشد. در مورد این دو نسخه، هر جا که نسخه سپهسالار یا ستردگی دارد و یا نسبتاً ناخواناست، نسخه پاریس آن موضع را سفید گذاشته است. مثلاً در بیت «چو جای نمازست گشته‌ست پست» نسخه سپهسالار در بیت آخر از صفحه دست چپ ستردگی دارد (نک. تصویر ۳) و پ ۳

۱. اینگونه نسخ را در اصطلاح نسخه‌شناسی codex descriptus می‌خوانند. کلمه descriptus در لاتین برگرفته از فعل de-scribō، یعنی «کپی شده، استنساخ شده» است. ۲. درین عکس‌ها از نسخه به صورتی تصویربرداری شده که ورق‌شمارها در عکس نیفتاده‌اند. امیدوارم مسئولین محترم کتابخانه‌ها و موزه‌هایی که نسخ خطی دارند، به بخش تصویربرداری خود تذکر بدهند که در تصویربرداری باید کل ورق، من جمله حواشی اوراق، در عکس قرار گیرد و اگر کادر عکس‌برداری را چند میلی‌متر بزرگ‌تر از نسخه در نظر بگیرند، این اشکالات پیش نخواهد آمد.

عبارتی را که در س ناخواناست، سفید گذاشته است (نک. تصویر ۴). اینگونه مواضع در سرتاسر نسخه سوم پاریس به چشم می‌خورد؛ مثلاً پ ۳: ص ۱۱ و س عکس ۱۱ (نک. تصاویر ۵ و ۶) و بسیاری مواضع دیگر (من جمله پ ۳: ص ۱۶-۱۷ پایین صفحه = س: عکس ۱۳-۱۴ پایین صفحه؛ پ ۳: ص ۱۸ = س: عکس ۱۴؛ پ ۳: ص ۲۰ = س: عکس ۱۵؛ پ ۳: ص ۲۳ = س: عکس ۱۷؛ پ ۳: ص ۲۴ = س: عکس ۱۷؛ پ ۳: ص ۱۱۳ = س: عکس ۶۲؛ پ ۳: ص ۱۳۴ = س: عکس ۷۲). در تصویر شماره ۷ نسخه س، در بیت آخر (سرافیل هم‌رازش و هم‌نشست/ براق اسب و جبریل فرمان‌پرست) در مصراع اول عبارت «هم‌رازش» سترده شده بوده و کسی بعداً آن را با قلم نازک دیگری به مصراع افزوده است. در نسخه پ ۳ جای این عبارت را سفید گذاشته و ازین معلوم می‌شود که اصلاحی که در نسخه سپهسالار وارد شده، بعد از استنساخ آن به وسیله کاتب نسخه پاریس صورت گرفته است (نک. تصاویر ۷ و ۸).

کاتب نسخه پاریس در عناوین به کلی از نسخه سپهسالار پیروی کرده و سعی داشته است که عنوان‌ها را دقیقاً مانند نسخه منقول عنها بنویسد (مثلاً پ ۳: ص ۲۴۵ = س: عکس ۱۲۷): «صفت هدیه فرستادن جهت ضحاک». حتی عناوینی که در نسخه س ناقص یا غلط نوشته شده‌اند، در نسخه پ ۳ هم به همان صورت ناقص یا مغلوط کتابت شده‌اند. مثلاً در داستان رفتن گوشاسپ به روم و ازدواجش با دختر شاه آن سامان، نسخه‌های موجود هر کدام به نحوی مضمون داستان را در عنوان این بخش گنجانده‌اند، چنانکه عنوان این بخش در نسخه ل «حدیث شاه روم و دخترش و رفتن گوشاسپ بطلب دختر شاه»، در دستنویس ص «شدن گوشاسپ پهلوان بزن خواستن» و در نسخه پ ۱ «رفتن [گوشاسپ بروم] و زن [خواستن]» ضبط شده است. اما این عنوان در دو نسخه پ ۳ و س به صورت ناقص «داستان گوشاسپ» آمده. معلوم است که صورت اصلی چیز دیگری بوده که در نسخه سپهسالار به عنوان فعلی تبدیل شده و کاتب نسخه پاریس همان اشتباه را وارد متن خود کرده است. این عنوان در پ ۲ به صورت «پند دادن اطراف گوشاسپ را» آمده، که امکان

۳. در فیلم نسخه پ ۳ زیر ورق‌شمارها که به ارقام فرنگی نوشته شده، با ارقام فارسی صفحه‌شمار گذاشته‌اند و ما به این صفحه‌شمارها ارجاع داده‌ایم. ۴. آنچه را در کروش قرار داده‌ام، در میکروفیلم نسخه به دشواری و حدس و گمان خوانده‌ام.

ابیاتی هم که در نسخه س کج یا اوریب نوشته شده‌اند، در پ ۳ معمولی کتابت شده‌اند (نک. تصاویر ۱۱ و ۱۲). حتی به‌ندرت در پ ۳ مصرع‌های برخی از ابیاتی که در س به‌صورت معمولی کتابت شده‌اند، بر فراز هم قرار گرفته‌اند (پ ۳، ص ۳۸۳: «دگر دید بتخانه‌ای از رخام»، قس س، عکس ۱۹۶؛ نیز س، عکس ۱۹۶: «شنیدم که شب هم بر آن بوم و بر»، قس، پ ۳: ص ۳۸۵). اما چنانکه گفتیم، این موارد معدود است.

نسخه‌ای که به‌دقت از روی دستنویس دیگری کتابت شده باشد، همه اغلاط و افتادگی‌ها و اضافات آن دستنویس را دارد. در پ ۳ حتی مواردی که در س به اشتباه کتابت شده و کاتب س آن اشتباه را به نحوی متذکر شده نیز موجود است. مثلاً در داستان جادویی کردن ترکان بر ایرانیان (س: عکس ۲۵۱؛ پ ۳: ص ۴۹۶) بیت:

بر کار یزدان کیهان‌خدیو
چه دارد بها کار جادو و دیو

مکرر شده و در نسخه س یک بار در صفحه قبل و بار دیگر بعد از یک بیت، دوباره در صفحه بعدی نوشته شده است. اما کاتب س در کنار مصرع اول بیت در داخل جدول، سه نقطه سرخ نهاده (که این باید کار کسی باشد که با قلم سرخ معانی لغات و توضیحات را در نسخه وارد کرده) و در حاشیه حرف «ز» را به مرکب سیاه و گویا به قلم کاتب نوشته است. این حرف در حواشی نسخ گاهی به علامت «زیاده» به کار می‌رود، و منظور از آن درین موضع این است که بیت ما نحن فیها زیادی (مکرر) است. درین مورد کاتب نسخه پ ۳ اشتباه مادر نسخه خود را تکرار کرده و این بیت را یک بار نوشته، و در صفحه بعدی آن را دوباره کتابت کرده است. اما بعداً روی بیت را خط زده و با قلم ریزتری بالای خط زدگی نوشته «مکرر» (نک. تصاویر ۱۳ و ۱۴). این نوع اشتباهاتی که بعینه تمام صفات یک نسخه را در نسخه دیگر منعکس می‌کند، معمولاً نشان‌دهنده این است که نسخه دومی از روی نسخه اولی کتابت شده، و بنابراین در تصحیح می‌توان آن را کنار نهاد.

گفتیم که در مورد تبیین استنساخ یک دستنویس از روی دستنویس دیگر، باید در نظر داشت که اینگونه دستنویس‌ها نه تنها در افتادگی و صفحه‌بندی و برخی جزئیات مربوط به نسخه‌شناسی با یکدیگر شباهت قابل ملاحظه‌ای دارند، بلکه

خویشاوندی آن دو نسخه را مطرح می‌کند. تمام این بخش، تا صحنه ملاقات گرشاسپ با دختر شاه روم از نسخه ت ساقط شده است.^۱ در هر حال پیروی نسخه پ ۳ از عناوین دستنویس س به حدی است که در یک مورد که کاتب پ ۳ عنوان «رزم قلا با نریمان و کشته شدن قلا» را جا انداخته بوده، بعداً آن عنوان را میان دو سطر، همانجا که در نسخه س آمده، به زحمت جا داده است (پ ۳: ص ۴۷۳ = س عکس ۲۴).

با این که برخلاف نسخه سپهسالار، دستنویس پ ۳ مجدول نیست، کاتب آن کوشیده است که در حد امکان نحوه عرضه متن را در مادر نسخه خود بازسازی کند. بنابراین در مواضعی که در س بی‌بیتی در داخل یک کادر قرار گرفته و مصرع‌های آن به‌جای این که پشت سر هم نوشته شوند، یکی بر فراز دیگری نوشته شده، کاتب پ ۳ هم سعی کرده که طرز قرار گرفتن بیت را در استنساخ خود بازسازی کند، و بدون این که جدول یا کادری در میان باشد، مصرع اول آن بیت را بالای مصرع ثانی آن نوشته است. مثلاً در پ ۳ صفحات ۱۷۰-۱۷۱ مصرع‌های ابیات:

همه تخم در کشت‌ها گونه‌گون
که ناراست افتد بود سرنگون
در صفحه ۱۷۰ دو بیت:

فلک و آتش و اختر تابناک
همه در هوا اند ایستاده^۲ [کذا] پاک
مرآن باد را آتش افسرده کرد
از او آب بگشاد و گسترده کرد

یکی بر فراز دیگری نوشته شده‌اند. کاتب پ ۳ بدین نحو طرز قرار گرفتن این ابیات را در داخل کادرهای موجود در صفحات نسخه س تقلید کرده است (نک. تصاویر ۹ و ۱۰). اما باید توجه داشت که این تقلید در تمام نسخه رعایت نشده و برخی از ابیاتی که در نسخه س در داخل کادر قرار گرفته‌اند، در دستنویس پ ۳ به‌صورت معمولی کتابت شده‌اند. همچنین

۱. افتادگی نسخه ت درین موضع برابر است با آنچه در چاپ مرحوم یغمائی از ص ۲۰۳ بیت ۳۰ الی ص ۲۲۴ بیت ۱۱ واقع شده است.
۲. کاتب پ ۳ سه نقطه‌ای را که کاتب نسخه س زیر حرف سین نهاده است، به اشتباه نقاط یاء پنداشته و «استاده» را به «ایستاده» تبدیل کرده، که این تغییر در وزن بیت هم خدشه ایجاد می‌کند.

در اغلاط هم مشابهند. البته برخی اشتباهات هست که در میان ناسخان بسیار شایع است و ممکن است از قلم هر کاتبی سر بزند، اما برخی اغلاط دیگر هست که بعید است محصول اشتباهات شایع کتابتی باشد. وقتی در بررسی دستنویس‌ها می‌بینیم که دو دستنویس مکرراً در ضبط واحد بر علیه دستنویس‌های دیگر، که ضبط‌های گوناگونی را نشان می‌دهند، متفق هستند، باید این احتمال را در نظر گرفت که یا این دو دستنویس با هم خویشاوندی نزدیکی دارند، یا یکی از آنها استنساخی از دیگری است (Foulet and Speer, 1979: 52-53). برقراری این نوع روابط میان دستنویس‌ها بیشتر با تجربه و از مقابله آنها حاصل می‌شود و نگارنده برای این کار فرمولی که بتواند کار را آسان کند سراغ ندارد.^۱ البته ایراد مهمی که بر این شیوه وارد است، این است که چگونه باید میان غلطی که شایع است و اشتباهی که شایع نیست تفاوت گذاشت؟ زیرا اشتباهی که از نظر یک مصحح اشتباه شایعی محسوب می‌شود، ممکن است از نظر یک مصحح دیگر اشتباه شایعی به شمار نرود. بنابراین دخالت مصحح در فرایند تصحیح زیاد، و به‌خاطر وجود این دخالت از «علمی بودن تصحیح» کاسته می‌شود.

این نوع اعتراضات که مشابه‌هایش در ایران خودمان هم زیاد است، به نظر نگارنده به مغلطه بیشتر می‌ماند تا به اعتراض منطقی. هیچ کسی که کوچک‌ترین آشنائی‌ای با فن تصحیح داشته باشد، نمی‌تواند تصوّر کند که پروسه تصحیح را می‌توان از اجتهاد مصحح خالی کرد و آن را به یک فرایند ماشینی تبدیل نمود. از همان آغاز کار، کسی که در انتخاب و جمع‌آوری و بررسی نسخ تصمیم می‌گیرد، مصحح متن است و بنابراین مصحح از قدم اول اجتهاد خودش را در مورد این که کدام نسخه را برای تصحیح به کار گیرد، و از نسخی که انتخاب می‌کند

۱. البته اخیراً برخی محققین سعی کرده‌اند که مطالعات مربوط به تغییرات ژن‌ها در کروموزوم‌های موجودات زنده، مخصوصاً آنچه را که از مطالعه ژنوم (genome) به دست آمده است، بر تغییراتی که در ضبط دستنویس‌های یک اثر پدید می‌آید منطبق سازند، و تغییراتی را که به‌صورت بی‌نظم و اتفاقی در ژن‌ها پدید می‌آید با تغییراتی که در اثر تحریف و تصحیف در نسخ خطی پیدا می‌شود مقایسه کنند (مثلاً نگاه کنید به ارجاعات این مقاله: Macé et al, 2006). البته این کار هنوز در بدایت راه است و امید می‌رود که راهکارها و وسایل جدیدی در اختیار فن تصحیح قرار دهد؛ اما چون تغییرات ژنتیک به‌صورت پراکنده و اتفاقی (random) صورت می‌گیرد، و تغییراتی که کاتبان در نسخ وارد می‌کنند معمولاً عمدی است و حتی اگر معلول بدخوانی باشد، نمی‌توان گفت که به‌کلی از اختیار و اراده انسانی خالی است، به نظر من از نظر منطقی بر تطبیق مدل‌های مربوط به تغییرات ژنتیکی بر تحریفات و تصحیفات موجود در نسخ خطی، ایراداتی وارد است.

کدام باید نسخه اصلی باشد و کدام فرعی، وارد این فرایند می‌کند. پس هیچ مرحله‌ای از فرایند تصحیح از «حضور» مصحح و طبعاً «دخالت» او خالی نیست. آنچه به نظر نگارنده مسلم است، این است که مصحح چاره‌ای ندارد جزین که اغلاط کاتب را به اجتهاد خودش، و با توجه به سیاق کلام، به اغلاط مهم و غیرمهم تقسیم کند، و بر اساس ارزیابی خودش از آنها تصمیم بگیرد که چه باید کرد.

علی‌ای حال، علاوه بر تشابهات بسیاری که میان نسخ س و پ^۳ موجود است و برخی از آنها را ذکر کردیم، این دستنویس‌ها همیشه اتفاق ضبط دارند و در اغلاط جزئی و غیرجزئی کاملاً مشابه یکدیگرند. چند مورد از همخوانی‌های این دو دستنویس را که ممکن است از جهات دیگر هم برای دانشجویانی که این مقاله را می‌خوانند قابل توجه باشد، ذکر می‌کنم.

◀ در بخش «نکوهیدن جهان» آمده است (ج: ص ۵، بخش ۴، بیت ۳):

ستاننده چابک‌ریایست زود

که نتوان ستد باز هرچ او ربود

اختلاف ضبط در مصراع ثانی این بیت ازین قرار است:

س، پ^۳، مچ: هرچو؛ ص، د، پ^۱، آ: هرچه (وزن ندارد)؛
پ^۲: آنچه (وزن ندارد)؛ متن = ل، مل.

صورت اصلی مصراع همین است که در متن مصحح مرحوم یغمائی و در نسخ ل و مل آمده است. اما از آنجا که رسم‌الخط «هرچو» (= harchū = ادغام هرچ + او) که در دستنویس‌های س، پ^۳ و مچ آمده است، رسم‌الخط معمولی نیست، این رسم‌الخط را باید از نوع مطالبی دانست که خویشاوندی نزدیک این دستنویس‌ها را نشان می‌دهد. قبلاً گفتیم که دستنویس مل که مرحوم عبرت کتابت کرده، هم از همین نسخه سپهسالار مشتق شده؛ اما می‌بینیم که درین مورد، دستنویس مل نه با س، بلکه با ل اتفاق ضبط دارد. این اتفاق ضبط به نظر نگارنده به این خاطر است که مرحوم عبرت، که خودش شاعر و ادیب بود، مصراع را تصحیح کرده است. بنابراین، هرگاه نسخه مل از ضبط س، پ^۳ و مچ تخطی می‌کند، آن تخطی معلول دستبرد مرحوم عبرت است و معمولاً به تصحیح متن منجر می‌شود. ممکن است کسی بپرسد که آیا تو می‌توانی این ادعا را ثابت کنی؟ پاسخ فقیر این است که نه، نمی‌توانم؛ زیرا تصحیح متن از قبیل فیزیک و

◀ در همین بخش می‌فرماید (ج: ص ۶، بخش ۴، بیت ۶):

چو خوانیست برره که هرکس ز پیش
شود زود چون خورد ازو بهر خویش

ل، پ ۱، پ ۲، ه: چو آییست؛ د: چو فانیست؛ متن = ص،
س، پ ۳، معج، مل؛ آ: بیت را ندارد.

درین بیت بحث مافقط درباره ضبط «خوانیست» است، نه کلمه دیگری. اول این که درین بیت س و پ ۳ اتفاق ضبط دارند. اما بر سبیل جمله معترضه متذکر می‌شوم که صورت اصلی کلمه «خوانیست» در بیت باید چیزی باشد که بتواند گشتگی‌های مختلف آن را توجیه کند. به نظر من این ضبط‌ها همه گشته «خانیست» هستند. «خان» به معنی «چشمه» ضبط کهن‌تر است که در نسخه د به صورت فاسد «فانیست» باقی مانده است. نسخی که «خوانیست» دارند، احتمالاً یا معنی «خان» را نفهمیده‌اند و گمان کرده‌اند که مادر نسخه‌شان کلمه را به غلط نوشته، و یا به دلیل این که تلفظ «خوان» و «خان» در سده نهم و بعد از آن، یعنی هنگام کتابت آن نسخ، مانند هم بوده و دیگر «واو» در کلمه «خوان» تلفظ نمی‌شده است، آن را بر حسب عادت «خوان» نوشته‌اند. دستنویس‌هایی که درین بیت «آییست» دارند، در واقع متن را به مفهوم ساده کرده‌اند؛ اما این که آیا این ساده کردن معلول این است که کاتبی در شجره نسب این نسخ، شخصاً «خان» را به «آب» تبدیل کرده تا متن را مفهوم کند، یا در مادر نسخه او «چو خانیست» را در حاشیه به «چو آییست» معنی کرده بوده‌اند و کاتبان بعدی که معنی «خان» را نفهمیده یا نپسندیده بوده‌اند، آب را به متن برده‌اند، معلوم نیست.

◀ در آغاز داستان رفتن گرشاسپ به زن خواستن به روم، پدر پهلوان او را اندرز می‌دهد و می‌گوید (ج: ص ۲۱۴، بیت ۲۳):

پیاده ممان کت بگیرد عنان
ز خود دور دارش بتیر و سنان

نسخه‌بدل‌های کلمه ممان در مصراع اول ازین قرار است:
س، پ ۳، معج، مل: همان؛ ل، ص، د، پ ۱، آ: ممان؛ پ ۲:
همالا؟ (وزن ندارد).

درین که ضبط «ممان»، چنان که مرحوم یغمائی تشخیص داده‌اند، ضبط کهن‌تر و صحیح‌تر است شکی نیست؛ اما در مصراع ثانی این بیت هم ضبط نسخه ل (از خود دور دارش بنوک سنان (پ: به تیغ و سنان)) به نظر کهن‌تر و بهتر می‌نماید.

شیمی و ریاضیات نیست که اثبات آنچنانی داشته باشد. اما کسانی که با این فن از نزدیک آشنائی دارند و قصد لجبازی و تناکر هم ندارند، این سخن را قبول می‌توانند کرد.

◀ در بیت چهارم از آغاز کتاب، می‌فرماید (ج: ص ۱، بخش ۱، بیت ۴):

از آن پیش کآورد گیتی پدید
همه هرچه بُد خواست و دانست و دید

نسخه‌بدل‌های مصراع ثانی ازین قرار است: ل، پ ۱:
خواست دانست دید؛ ص، د، آ، معج، ه: خواست دانست و
دید؛ پ ۲: او خواست دانست و دید؛ متن = س، پ ۳، مل.

باز درین مورد هم می‌بینیم که در مصراع ثانی، که اگر کسی به تقطیع آن توجه نداشته باشد گمان خواهد کرد که وزن ندارد، نسخه پ ۳ با ضبط نسخه س کاملاً موافقت دارد. اما صورت صحیح این مصراع، علی‌رغم این که ممکن است انواع استدالات عروضی و کلامی را در باب صحت تصحیح مرحوم یغمائی عنوان کرد، به نظر نگارنده همان است که در ل و پ ۱ آمده است، و درین جا «دانستن» به معنی «قادر بودن، توانستن» است. پس اگر از قاعده ارجحیت ضبط کهن‌تر پیروی کنیم، ضبط این دو نسخه از دیگر ضبط‌ها کهن‌تر است و باید به متن برود.

◀ در همین بخش بیت قابل توجه دیگری هست (ج: ص ۶، بخش ۴، بیت ۴):

سراییست بر وی گشاده دو در
یکی آمدن را شدن زآن بدر

ل، ه: یکی آمدن و شدن را دگر؛ ص، د، پ ۱: یکی آمدن را
شدن را دگر؛ پ ۲: یکی آمدن دان شدن آن دگر؛ متن = ج،
س، پ ۳، معج، مل؛ آ: بیت را ندارد.

ضبط س، پ ۳، معج، مل که مطابق متن چاپی است، صرف نظر ازین که صحیح باشد یا نه، باز رابطه نزدیک این نسخ را نشان می‌دهد، و با توجه به قرائن دیگری که از تشابه میان س و پ ۳ عرضه کردیم، شاهد دیگری است بر استنساخ پ ۳ از روی س. در مورد صورت صحیح مصراع، به نظر من ضبط ل کهن‌تر و بهتر است، و چون باید «آمدن و» را به تشدید نون خواند تا مصراع موزون افتد، از نظر موسیقائی هم شاید حماسی‌تر باشد.

◀ در داستان رفتن گرشاسپ به روم به زن خواستن، پهلوان به بارگاه قیصر می‌آید و شاه روم از او نامش را می‌پرسد و گرشاسپ پاسخ می‌دهد که (چ: ص ۲۲۷، بیت ۲۶):

بدو گفت گرد سپهبدنژاد
مرا نام بابم کمانکش نهاد

سه صورت از برای مصراع ثانی موجود است. س، پ، ۱، پ، ۲، ۳، مچ، مل: مرا باب نامم کمانکش نهاد؛ ل، ص، د: مرا نام بابم کمانکش نهاد؛ آ: مرا نام گرد کمانکش نهاد.

درین بیت هم می‌بینیم که توافق س، پ، ۳، مچ، مل ادامه دارد. البته این که نسخ دیگر هم درین ضبط با این سه نسخه موافقت خویشاوندی نزدیک این سه نسخه را نفی نمی‌کند، زیرا تقدیم و تأخیر کلمات «باب» و «نام» درین مصراع از اشتباهات شایع است. در هر حال، صورت صحیح مصراع ثانی، اگر ضبط نسخ ل، ص، د و بخش اول ضبط مصراع در آ را ملاک بگیریم، باید همان «مرا نام بابم کمانکش نهاد» باشد.

◀ دو نسخه س و پ ۳ در ضبط‌های دشوار هم متفقند، حتی اگر مطلب را به نادرست ضبط کرده باشند. مثلاً در داستان رزم قلا با نریمان و کشته شدن نریمان آمده است که (چ: ص ۳۷۸، ۳۸):

برافراخت از قلب یال یلی
برون زد چمان چرمه جزغلی

نسخه بدل‌های مصراع ثانی ازین قرار است. س، پ، ۳، مچ، مل: حره جوغلی؛ ل: جزغلی؛ ص: جدغلی؛ د: جدغلی؛ پ: ۱: کابلی؛ ۲: زابلی؛ آ: ابرش کابلی.

باز درین مورد هم موافقت دستنویس‌های س، پ، ۳، مچ و مل عیان است. اما صورت صحیح این واژه که صفت اسب است در مصراع ثانی باید «جدغلی» (= ص: قس. د: جدغلی) باشد، زیرا در حدود العالم (ص ۱۱۲؛ نیز ص ۱۱۴ ذیل «ایلاق» به صورت «جدغل») آمده است که:

جدغل ناحیتیست از فرغانه و اندر میان کوه‌ها و شکستگی‌ها
نهاده. اندر وی شهرک‌هاست و ده‌های بسیار و از وی اسب
خیزد.

مرحوم ستوده در حاشیه حدود العالم (ص ۱۱۲، حاشیه) می‌نویسد: «جدغل» امروز «جتغل» خوانده می‌شود.

اگر این گزارش صحیح باشد، صورت درست کلمه درین بیت باید «جدغل» به چیم فارسی باشد، زیرا تلفظ امروزی هم به چیم است. ازین گذشته، رسم الخط «جزغلی» بازاء نیز به علت شباهت زاء به ذال در کتابت قدیم، ضبط «جدغلی» را تأیید می‌کند. این واژه، با گشتگی ذال به زاء و چیم به جیم، باز هم در گرشاسپ‌نامه آمده است (چ: ص ۳۸۶، بیت ۱۹):

هزار اشتر از بختی و جنگلی
دو صد اسپ تاتاری و جزغلی

◀ دیگر از مواردی که نسخه سوم پاریس در ضبط لغات دشوار با دستنویس سپهسالار توافق دارد، در بیتی است از داستان رزم گرشاسب با منهراس دیو (چ: ص ۲۸۱، بیت ۹):

که با خشم چشم ار برآغالدت
بی‌کدم همه زور بفتالدت

ضبط س، پ، ۳، مچ، مل = متن. ضبط دیگر نسخ جالب توجه است. کاتب ل بیت را به صورت زیر کتابت کرده است:

کی با چشم و چشم از برآغالدت
بیک دم همه روز بفشالدت

و این به روشنی غلط است. اشتباه ضبط در مصراع اول نیاز به توضیح ندارد و در مصراع ثانی، صورت «بفشالدت» لابد گشته «بفتالدت» است. دستنویس د «خشم چشم» و پ ۲ «گر چشم بر چشم آغالدت» دارند. ضبط دیگر نسخ مطابق متن است، تنها ص تفاوت اندکی دارد: بی‌آغالدت. اختلاف نسخ در مصراع ثانی عبارت است از ت، ص، د، پ ۲: هم از دور؛ متن = س، پ، ۳، مچ، مل، پ ۱؛ آ این بیت را ندارد.

به نظر من مصراع ثانی به صورت «بی‌کدم همه از دور بفتالدت» درست است، که در آن عبارت «هم از دور» اشارتی است به شوری چشم و نیروی چشم‌زخم وارد کردن آن دیو، که در فولکلور فارسی مشابیهات بسیاری دارد.

◀ در افزودگی‌ها هم این دستنویس‌ها توافق دارند. برای مثال یک نمونه از توافق اینها را در ابیات افزوده ذکر می‌کنیم. در داستان رفتن گرشاسب به روم (چ: ص ۲۱۶، ابیات ۱-۴) می‌گوید (تأکید از نگارنده است):

سمند سرافراز را کرد زین
برون رفت تنها بروز گزین

برخی نسخ دیگر که نام و نشان دقیقشان را نمی دانیم مقابله شده، و نیز چون حاوی حواشی و حدس های عالمانه برخی از فضیلهای به نام است، علی رغم این که رونویسی از نسخه س است، نباید آن را نادیده گرفت.

فهرست منابع

- اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۵۴). گرشاسپ نامه. به اهتمام حبیب یغمائی. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۹۴). گرشاسپ نامه. نسخه برگردان به قطع اصلی از روی نسخه مصور کتابت ۷۵۵ قمری به خط حسن بن الحاج رکن الدین درجم (?). به کوشش محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. تهران: سخن.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۷). «نسخه گرشاسپ نامه کتابخانه بریتانیا به شماره Or. 11586». در: جشن نامه استاد اسماعیل سعادت. زیر نظر حسن حبیبی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۹-۴۸.
- _____ (۱۳۹۵). «یکی از فواید تعیین شجره نسب دستنویس ها در تصحیح متن». ایرانشهر، سال ۱، ش ۵، دی-اسفند: ۱۶۳-۱۶۸.
- _____ (۱۳۹۶). گرشاسپ نامه کتابخانه بریتانیا (به شماره Or. 11586). تهران: میراث مکتوب (ضمیمه شماره ۷ از دوره دوم گزارش میراث).
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۰). شاهنامه از دستنویس تا متن: جستارهایی در معرفی و ارزیابی دستنویس های شاهنامه و روش تصحیح انتقادی متن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دستنویست های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲). از مؤلف ناشناس. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری (این کتاب قبلاً در سال ۱۳۴۰ جزو انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده بود).
- مینوی، مجتبی (۱۳۲۳). «از نامه های آقای مجتبی مینوی: نسخه های قدیم گرشاسپ نامه». یغما، ش ۱: ص ۵۶۹-۵۷۴.

همه برد هرچش نبد چاره زوی
سوی شام زی بادیه داد روی
یکی ریدک ترک با او براه
ز بهر پرستش بهر جایگاه
بدان بی سپاه و بنه شد برون
که تا کس نداند چرا و نه چون

مضمون این ابیات مصداق «کوسه و ریش پهن» است. هم می گوید که گرشاسپ تنها مسافرت را آغاز کرد تا کسی از علت و چگونگی سفرش خبر پیدا نکند، و هم می گوید که یک غلام ترک برای خدمتگزاری همراهش بود. اما چند بیت بعد (همان: ص ۲۱۷، ابیات ۱۶-۱۷) در وصف کباب کردن گوری که پهلوان شکار کرده است می فرماید:

درختی بکند از لب آبگیر
برافروخت آتش ز پیکان تیر
برآن آهنی نیزه یل فکن
زد آن گور چون مرغ بر بابزن

و از این ابیات معلوم می شود که گرشاسپ خدمتکاری همراه نداشته، و گرنه خودش مجبور نبود آشپزی کند. پس بیت «یکی ریدک ترک با او براه...» درین موضع به استناد سیاق کلام الحاقی است؛ ولو این که زبان و سبکش کهن باشد. نسخه توپقاپی سرای این بخش را ندارد و معلوم نیست که این بیت را داشته یا نه. دو نسخه معتبر ایاصوفیه (ص) و دارالکتب (د) هم این بیت را نداشتند. از نسخ دیگر، ل «ریدک»، پ ۲ «ریدکی»، س، پ ۳، م، مل و آ «زیرک» و پ ۱ «زیرکی» ضبط کرده اند. بنابراین در مورد این بیت الحاقی هم مانند بسیاری دیگر از ابیات الحاقی این حماسه، اتفاق ضبط نسخ س، م، پ ۳ و مل که درین مورد با ضبط نسخه آهم می خوانند، هویدا است.



حاصل کلام این که در تصحیح گرشاسپ نامه، نسخه سوم پاریس (پ ۳) و دستنویس های م، مل و فی الواقع رونویسی از نسخه س هستند و برای مقابله به کار نمی آیند. فقط در مورد نسخه مجلس باید این را در نظر داشت که چون این نسخه با

- scriptorum: A Methodological Problem". in: *Editing Greek and Latin Texts: Papers Given at the Twenty-Third Annual Conference on Editorial Problems*, University of Toronto 6-7 November 1987. Edited by John N. Grant. New York: AMS Press INC., pp.1- 35.
- Reynolds, L. D. and N. G. Wilson (1991). *Scribes and Scholars, A Guide to the Transmission of Greek and Latin Literature*. 3rd edition. Oxford: Clarendon Press.
 - Thorpe, James (1972). *Principles of Textual Criticism*. San Marino, California: The Huntington Library.
 - Timpanaro, Sebastiano (2005). *The Genesis of Lachmann's Method*. Edited and translated by Glenn W. Most. Chicago: The University of Chicago Press.
 - West, M. L. (1973). *Textual Criticism and Editorial Theory*. Stuttgart: Teubner.
 - Bieler, Ludwig (1960?). "The Grammarian's Craft: A Professional Talk". *Folia*, Vol.10, No.2, pp. 3-42.
 - De Blois, François (1992). *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey* Begun by the Late C. A. Storey. Vol.5, pt.1, Poetry to ca. 1100. London: The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland.
 - Edwards, A. S. G. (1998). "Manuscript and Text". in: *A Guide to Editing Middle English*. McCarren, V. and Moffat, T., editors. Ann Arbor: The University of Michigan Press, pp.159-168.
 - Fellows, Jennifer (1998). "Author, Author, Author...: An Apology for Parallel Texts". in: *A Guide to Editing Middle English*. McCarren, V. and Moffat, T., editors. Ann Arbor: The University of Michigan Press, pp.15- 24.
 - Foulet, Alfred and Marky Blakely Speer (1979). *On Editing Old French Texts*. Lawrence: The Regents Press of Kansas.
 - Greetham, David C. (1994). *Textual Scholarship, An Introduction*. New York: Garland Publishing.
 - Huart, Clément (1926). *Le Livre de Gerchâsp: Poème Persan d'Asadî Junior de Toûs*. Publié et traduit par Clément Huart. 2 vols. Paris: Paul Geuthner.
 - Johnston, Harold W. (1897). *Latin Manuscripts*. Chicago: Scott, Foresman & Company.
 - Kenney, E. J. (1974). *The Classical Text: Aspects of Editing in the Age of the Printed Book*. Berkley: University of California Press.
 - Kleinhenz, Christopher (1976). "Introduction". in: *Medieval Manuscripts and Textual Criticism*. Edited by Christopher Kleinhenz. Chapel Hill, NC: North Carolina Studies in the Romance Languages and Literatures, pp. 19-25.
 - Maas, Paul (1958). *Textual Criticism*. Translated by Barbara Flower. Oxford: The Clarendon Press.
 - Macé, C. and Ph. V. Baret (2006). "Why Phylogenetic Methods Work: The Theory of Evolution and Textual Criticism". in: *The Evolution of Texts: Confronting Stemmatological and Genetical Methods: Proceedings of the International Workshop Held in Louvain-la Neuve on September 1-2, 2004*. Pisa: Istituti editoriali e poligrafici internazionali, pp.89-108.
 - Reeve, Michael D. (1989). "Eliminatio codicum de-





تصویر ۱

کتابک مشاسپ نامه
 سپاس از خداوندی که از کاف و نون که کسب می
 کنی کشت نه از نون است ز بود
 تن زنده را در جهان جای نون
 از آن پیش که در کسب می پدید
 ز کردون کتاب در کسب می
 ز در با خارد ز خوردش پدید
 روان داد و کرد و روزی نون
 که از آن خشن کم نماند پدید
 نمانت بر کسب هر چه نون
 نه دیدار کردن نون کو کسب
 نه از حسنج و ز خارد که پدید
 بخوبی ستاره که کم او
 نمانت بر کسب هر چه نون
 نه دیدار کردن نون کو کسب
 نه از حسنج و ز خارد که پدید
 بخوبی ستاره که کم او

بلان

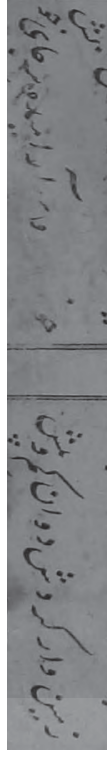
تصویر ۲



تصویر ۳

همه روزها از این بخت
هر جای غمناز

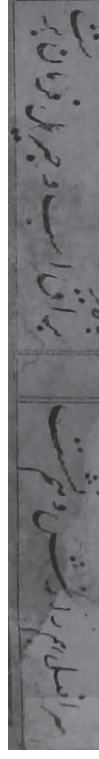
تصویر ۴



تصویر ۵

زین و ارگردش دهان پر
ساده به پیش

تصویر ۶



تصویر ۷

براق اسب و جبریل زمان بخت
سرفیل

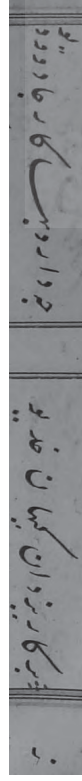
تصویر ۸



تصویر ۱۱

خسب کبابی ز یاد بخت
شکر از گزند بخت

تصویر ۱۲



تصویر ۱۳

خوب کافور و کعبه صلیب
جوداد و سب کار جاودود

تصویر ۱۴

مواد سرد زور و ساز آورد	سر نمکون نهی فر از آورد
اگر خدشان زاب خیزد ^{نسخه کهنه}	مواجون ناشد نه روید
زگردون کرمی غما پذیرد	که اورا نشاید بدن جای کاه
مکوبید و راجاهی داشت برست	مکنده های جانت کوبید درست
فرازش مو ائبت کوردر	سبک محفت وز سر مو باک تو
زبرش از نه چیزی در کسمان بدی	تاده بدی وی نکردان بدی
سم از باد کرد و ان شدت این چنین	سم از بادش است ایستاده بین
فلک و انش و اخترا نا خاک	
محمد در مو انداخته باد پاک	
بدان سان که آشکر کاسپ از	فر از دوش نزد آتش فراز
دوم جو بادوم افند بس	شود آتش از باد پیمان دم
زکبتی مو اهد چنبن پیر بد	ضدای اندر و جنبشی آتش بد
جو خند سخت آن سواهی نکفت	بختنا بد آن باد آتشش گرفت
مران باد آتش فرود کعبه	
از لاله آب کبشا در کت زده کرد	

رد آن هیچ کوبید بخری در

تصویر ۹

کوبید ما جان درش بپوش
فروزشش ائبت کوردر
زبرش از نه چیزی در کسمان بدی
هم از باد کرد و ان شدت این چنین
فلک و انش و اخترا نا خاک
محمد در مو انداخته باد پاک
بدان سان که آشکر کاسپ از
دوم جو بادوم افند بس
زکبتی مو اهد چنبن پیر بد
جو خند سخت آن سواهی نکفت
مران باد آتش فرود کعبه
از لاله آب کبشا در کت زده کرد
بختنا بد آن باد آتشش گرفت
ضدای اندر و جنبشی آتش بد
شود آتش از باد پیمان دم
فراز دوش نزد آتش فراز
بختنا بد آن باد آتشش گرفت
بختنا بد آن باد آتشش گرفت
بختنا بد آن باد آتشش گرفت
بختنا بد آن باد آتشش گرفت

۱۷۱

تصویر ۱۰